

نکته روز

خط قرمز عبودی روی نام غندی پور

پیامی صریح به ستاره کاغذی



حسین عبودی، سرمربی دیسپلین‌گرای تیم فوتبال المپیک ایران، با اعلام اسامی جدیدترین اردوی آماده‌سازی این تیم در خاک ترکیه، پالس سنکین و بی‌تعاریفی به جامعه فوتبال فرستاد. عبودی در اقدامی قابل توجه، نام ۶ بازیکن را از لیست قبلی قیچی کرد. در میان این شش خط خورده، یک غیبت با دیگران تفاوت اساسی و ساختاری دارد؛ رضا غندی‌پور، مهاجم ۲۰ ساله‌ای که نه مصدوم است و نه با مشکل شخصی موجهی دست‌وپنجه نرم می‌کند، بلکه قربانی بی‌انضباطی محض، خودبزرگ‌بینی و رفتار کاملاً غیرحرفه‌ای خودش شده است.

در حالی که کسری طاهری به دلیل مصدومیت واقعی و تأییدشده از لیست کنار رفته و سایر نفرات مثل محمد کندمی، میلاد کر، ابوالفضل زمانی و سعید سرحرخیزان هم به دلیل غیبت در تمرینات دو هفته‌ای تیم المپیک از سفر به ترکیه محروم شده‌اند، اما ماجرای غندی‌پور رنگ و بسوی دیگری دارد. او نه تنها در تمرینات حاضر نشده، بلکه اصلاً در جغرافیای کشور نبوده و در حاشیه خلیج فارس، مشغول کشمکش‌های مالی و قراردادی با باشگاه شباب الاهلی بوده است!

غندی‌پور که سال گذشته از پیکان راهی شباب الاهلی امارات شد و در ادامه به صورت قرضی به الوحدہ رفت، حالا به دلیل عدم موفقیت و ناکامی در خارج از کشور، مسیّر بازگشت به لیگ برتر ایران را چیده است. او هفته‌هاست درگیر بروکراسی گرفتن رضایت‌نامه از شباب الاهلی است و تا زمانی که این مجوز صادر نشود، نمی‌تواند در ایران قرارداد ببندد. اما سؤال اساسی اینجاست؛ این بازیکن‌های شخصی و مشکلات قراردادی چه ربطی به پیراهن مقدس تیم ملی دارد؟

نکته کلافه‌کننده اینجاست که این اولین بار نیست که نام غندی‌پور با حاشیه، تأخیر و بی‌انضباطی سرخط خبرهای می‌شود. این مهاجم پیش از این نیز در دوران حضورش در پیکان و حتی در اردوهای قبلی تیم‌های ملی پایه، سابقه تأخیرهای سریالی، غیبت‌های بی‌همانگی و رفتارهای آماجوری داشته است. گویا این مهاجم جوان نه از فقر فنی رنج می‌برد و نه از کمبود فرصت بازی، بلکه مبتلا به یک بیماری مزمن به نام «بی‌توجهی به تیم ملی» است! او به جای اینکه با سر به اردوی تیم المپیک بیاید و با تعهد و پشتکار، میخ خود را در پیشانی خط حمله بکوبد، ترجیح داده در دبی به دنبال منافع مادی و شخصی خود بدود و اتمسفر تیم ملی را به حاشیه بکشد. نتیجه چه شد؟ حسین عبودی بدون هیچ‌گونه اغماص و با ج‌دهی، نام او را از لیست پرواز خط زد. حسین عبودی با این تصمیم، پیام صریحی به تمام ستاره‌های کاغذی داد، حضور در تیم ملی یک امتیاز و ویژگی برای ترانسفر نیست، یک وظیفه و عرق ملی است. بازیکنان بزرگ و موفق در اتمسفر جهانی، از گرم بنزما تا کلبیان امپایه، با نظم آهنین و تعهد به پرچم منتشرشده از سوی باشگاه‌هاست که لوسیل از زحمات و تعهد حرفه‌ای روستایی در مدت یک سال حضورش تشکر کرده و برای او در ادامه مسیر فوتبال، آرزوی موفقیت و درخشش بیشتر دارد.

این تصمیم حسین عبودی را باید به فال نیک گرفت. اگر سایر سرمربیان تیم‌های ملی با پایه‌ها تا بزرگسالان چنین دکترین انضباطی محکمی را در پیش بگیرند، دیگر شاهد حضور بازیکنان حاشیه‌ساز و بی‌انضباط در ساختار فوتبال ملی نخواهیم بود. رضا غندی‌پور هنوز ۲۰ ساله است و عقره‌های ساعت فرصت جبران را به او نشان می‌دهند. اما اگر این روند ریل‌گذاری غلط را ادامه دهد، نه تنها در تیم ملی المپیک جایی نخواهد داشت، بلکه در مارکت باشگاهی ایران هم به عنوان یک مهره سمی و بی‌تعهد شناخته خواهد شد.

خبر

جدایی امیر روستایی از لوسیل

امیر روستایی، مهاجم ایرانی باشگاه لوسیل قطر، پس از یک فصل موفق و تأثیرگذار در ترکیب این تیم، به همکاری خود با لوسیل قطری پایان داد. باشگاه لوسیل امروز با انتشار پیامی رسمی، از این بازیکن ایرانی جداحافظی کرد. تلاش‌ها و عملکرد او در طول فصل گذشته قدرانی کرد. در پیام منتشرشده از سوی باشگاه آمده است که لوسیل از زحمات و تعهد حرفه‌ای روستایی در مدت یک سال حضورش تشکر کرده و برای او در ادامه مسیر فوتبال، آرزوی موفقیت و درخشش بیشتر دارد. روستایی که تابستان گذشته به لوسیل پیوست، خیلی زود به مهره کلیدی خط حمله این تیم تبدیل شد و نقش مهمی در قهرمانی و صعود لوسیل به لیگ ستارگان قطر ایفا کرد. این مهاجم ۲۷ ساله در رقابت‌های لیگ با به‌ثمر رساندن ۱۱ گل، ارسال ۲ پاس گل و گرفتن ۲ پنالتی، عنوان بهترین گلزن تیمش را به دست آورد. همچنین در جام ستارگان قطر ۸ گل دیگر به‌ثمر رساند تا فصل را با ۱۹ گل قابل توجه ۱۶ گل در ۲۰ مسابقه به پایان برساند. روستایی که سابقه بازی در پرسپولیس، پیکان و تیم امید ایران را در کارنامه دارد، پس از سه فصل حضور در فوتبال قطر، فصل گذشته به لوسیل پیوست و اکنون با پایان قراردادش، احتمال جدایی او به‌زودی مقصد جدید خود را از میان پیشنهادهای قطری یا سایر گزینه‌های خارجی انتخاب کند.

خروج از تیم ملی کلید خورد

دستیاران قلعه‌نویی در مسیر جدایی



عکس: فدراسیون فوتبال

محسن ذاکری / هرچند هنوز نشست هیأت

رئیس فدراسیون فوتبال درباره تعیین تکلیف آینده امیر قلعه‌نویی برگزار نشده است و هر احتمالی وجود دارد، اما شواهد نشان می‌دهد سرمربی تیم ملی به واسطه حمایت‌های شخص مهدی تاج خود را برای ادامه همکاری و بودن تا جام ملت‌های آسیا آماده کرده و همزمان نیم‌نگاهی نیز به ایجاد تغییرات تیم ملی هم دارد.

نشده می‌شود قلعه‌نویی قصد ندارد شخصاً دستیارانش را کنار بگذارد یا برای قطع همکاری با آنها پیش قدم شود. با این حال، او مخالفتی با جدایی اعضای کادر فنی هم نخواهد کرد و اگر آنها از پیشنهادهای لیگ برتری راهی فوتبال باشگاهی شوند، از این اتفاق استقبال می‌کند تا شاید به همین بهانه خود را مشتاق ایجاد برخی تغییرات در کادر فنی تیم ملی نشان دهد.

در میان اعضای کادر فنی؛ رحمان رضایی، آندرانیک تیموریان و علی‌اصغر قربانعلی پور از چند باشگاه لیگ برتری پیشنهاد همکاری دریافت کرده‌اند. کما اینکه عصر دیروز دیدیم علی‌اصغر قربانعلی پور به تیم تراکتور پیوست و از تیم ملی جدا شد. احتمالاً این مربی پیشنهاد قابل توجهی از تراکتور داشته و با اینکه شرایط ادامه فعالیت در تیم ملی را مناسب ندیده که زودتر از دیگر گزینه‌ها قطع همکاری خود با تیم ملی را اعلام کرده و به باشگاه تراکتور رفته تا دستیار دبئی شود. احتمالاً در روزهای آتی رحمان رضایی و آندرانیک تیموریان نیز همین تصمیم را به

خواهند گرفت.

درباره هومن افاضلی و سعید الهویی اما تا امروز خبری مبنی بر اینکه پیشنهادی جدید از تیم‌های لیگ برتری دارند به دست نیامده است. شاید این دو جزو آن معدود نفراتی باشند که در جام ملت‌های آسیا آتی نیز در کنار قلعه‌نویی باشند. البته اگر امیر در این جایگاه حفظ شود!

اگر این جدایی‌ها عملی شود و از میان مربیانی که پیشنهاد دارند ریزش‌ها در کادر آغاز شود، قلعه‌نویی بدون آنکه تصمیمی برای برکناری همکارانش گرفته باشد، به هدف خود برای ایجاد تغییرات (ولو تغییرات ظاهری) خواهد رسید و می‌تواند اعلام کند روند بازسازی کادر فنی آغاز شده است. از سوی دیگر، دستیاران او نیز فرصت خواهند داشت فعالیت خود را در لیگ برتر ادامه دهند و وارد چالش‌های جدید شوند. در این میان درباره آینده مربیان خارجی حاضر در کادر فنی تیم ملی نیز تردیدهایی وجود دارد و هنوز مشخص نیست فدراسیون و سرمربی تیم ملی تصمیم به ادامه همکاری با آنها خواهند گرفت یا تغییراتی در این بخش نیز اعمال خواهد شد.

شش‌ده‌ها حکایت از جدایی قریب‌الوقوع برخی دستیاران ایرانی قلعه‌نویی دارد تا شاید او با همین اهرم بتواند افکار عمومی را که از وضعیت فنی تیم ملی رضایت نداشتند، اینطور اغتا کند که قصد دارد تغییراتی را در کادر خود شروع کند.

به هرحال باید این نکته را هم در نظر داشت

امیر با دستیاران سنتی با آغاز یک بازسازی؟

صندلی‌های خالی در کادر فنی تیم ملی

فوتبال ایران پایان داد.

جام جهانی تمام شد، اما این دو جای خالی همچنان پر نشده‌اند بین‌المللی کادر فنی تیم ملی عملاً از بین رفت و نیمکت ایران بار دیگر به مجموعه‌های کاملاً داخلی تبدیل شد. اگرچه به دلیل محدودیت زمانی، تغییرات گسترده پیش از جام جهانی امکان‌پذیر نبود، اما اکنون که تیم ملی وارد چرخه آماده‌سازی برای جام ملت‌های آسیا شده، انتظار می‌رود درباره تکمیل کادر فنی تصمیمی جدی اتخاذ شود.

یک تجربه تکراری در فوتبال ایران

این اولین بار نیست که تیم ملی در آستانه یا میانه یک پروژه مهم، مربیان خارجی خود را از دست می‌دهد. طی سال‌های اخیر بارها شاهد حضور کوتاه‌مدت مربیان خارجی در کادر فنی تیم ملی بوده‌ایم؛ مربیانی که به دلایل مختلف، از پیشنهادهای حرفه‌ای گرفته تا چالش‌های ساختاری، همکاری خود را زودتر از موعد به پایان رسانده‌اند. همین موضوع باعث شده فرآیند انتقال دانش، ثبات فنی و شکل‌گیری یک اتاق فکر منسجم در تیم ملی بارها با وقفه مواجه شود. در فوتبال مدرن، موفقیت در تورنمنت‌های بزرگ تنها به کیفیت بازیکنان وابسته نیست. نقش کادر فنی تخصصی، آنالیزورها، حرفه‌ای، طراحان تمرین و مربیان تاکتیکی در موفقیت تیم‌های ملی بیش از هر زمان دیگری اهمیت پیدا کرده است.

اکنون که جام جهانی به پایان رسیده، فدراسیون فوتبال و امیر قلعه‌نویی فرصت دارند بدون فشار زمانی، ساختار کادر فنی تیم ملی را برای جام ملت‌های آسیا بازسازی کنند. پرسش اصلی این است که آیا این بازسازی با تکیه بر نیروهای داخلی و دستیاران سنتی انجام خواهد شد یا بار دیگر شاهد حضور چهره‌های بین‌المللی روی نیمکت تیم ملی خواهیم بود؟ پاسخ این سؤال، می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده سرنوشت تیم ملی ایران در جام ملت‌های آسیا باشد. ۲۰۲۷

مرتضی طهوری / جام جهانی ۲۰۲۶ برای تیم ملی ایران به پایان رسیده و حالا نگاه فوتبال ایران به مهم‌ترین هدف پیش رو، یعنی جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷ در عربستان دوخته شده است؛ تورنمنتی که می‌تواند سرنوشت نسل فعلی فوتبال ایران و کادر فنی امیر قلعه‌نویی را مشخص کند. یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که همچنان بی‌پاسخ مانده، وضعیت دو صندلی خالی در کادر فنی تیم ملی است؛ جای خالی آنتونیو مانیوکونه و آنتونیو کالیباردی، دو مربی ایتالیایی که قرار بود به ارتقای سطح فنی تیم ملی کمک کنند اما پیش از جام جهانی از جمع یوزها جدا شدند.

مانیوکونه؛ جدایی ناگهانی و بازگشت به فوتبال ایتالیا

آنتونیو مانیوکونه از خرداد ۱۴۰۲ و در آستانه جام ملت‌های آسیای ۲۰۲۳ به عنوان دستیار اول امیر قلعه‌نویی به کادر فنی تیم ملی اضافه شد. او با سابقه سال‌ها فعالیت در اینتر، لاتزیو، تیم ملی سوئیس و بورودو، مسئولیت مهمی در طراحی تمرینات و برنامه‌های فنی تیم ملی بر عهده داشت.

مانیوکونه در بهمن ۱۴۰۴ و در سکوت خبری از تیم ملی جدا شد و به باشگاه پیزا در سری آ ایتالیا پیوست تا به عنوان دستیار اصلی کادر فنی این تیم فعالیت کند. جدایی او، خلا محسوس‌تری در بخش طراحی تمرینات و سازماندهی فنی تیم ملی به وجود آورد؛ خلائی که تا پایان جام جهانی نیز به طور کامل جبران نشد.

کالیباردی؛ تئوریسی‌کننده ماندگار نشد

دومین خروج مهم، مربوط به آنتونیو کالیباردی بود؛ آنالیزور و تئوریسین شناخته‌شده فوتبال ایتالیا که سابقه همکاری با مربیانی چون آنتونیو کوئنته، روبرتو مانچینی و آندرو آیلرو و همچنین حضور در قهرمانی ایتالیا در یورو ۲۰۲۰ را در کارنامه داشت.

کالیباردی در آبان ۱۴۰۴ به کادر فنی تیم ملی اضافه شد اما تنها چند ماه بعد و در اردیبهشت ۱۴۰۵، در دست در آستانه جام جهانی خود را با فدراسیون تیم ملی زده شد.

ابتدا باید تکلیف خود قلعه‌نویی مشخص شود

و تا زمانی که رئیس فدراسیون فوتبال با اعضای هیأت رئیسه نشست نگذارد و یا درباره امیر شخصاً نظر ندهد، نمی‌توان درباره بودن قطعی او نظر نهایی داد

که اصولاً قلعه‌نویی حرف‌شنوی آنچنانی از دستیاران خود هم ندارد. سوابق او در طول دوران مربیگری‌اش در فوتبال ایران و به‌خصوص باشگاه‌ها نشان می‌دهد که تصمیم نهایی را همواره خودش اتخاذ می‌کند و کمتر نظر دستیارانش را اعمال می‌کند و عملاً بودن در کنار قلعه‌نویی به عنوان مربی نقش چندانی را برای دستیاران ایجاد نمی‌کند و فرصتی برای اعمال نظر نخواهد ساخت.

به همین دلیل، این احتمال وجود دارد که مهم‌ترین تغییرات تیم ملی در آینده نزدیک نه در ترکیب بازیکنان، بلکه در ساختار کادر فنی رقم بخورد. البته شاید فدراسیون فوتبال در این میان تأثیرگذار باشد و مانع از جدایی برخی نفرات شود اما باید پذیرفت و انتظار داشت که برخی دستیاران قلعه‌نویی به فکر آینده حرفه‌ای خود باشند و از سبویی دست او را نیز برای برخی تغییرات باز بگذارند؛ تغییراتی که البته روشن نیست به سود تیم ملی باشد یا خیر.

در نهایت باید تأکید کرد که در این ماجرا ابتدا باید تکلیف خود قلعه‌نویی نیز مشخص شود و تا زمانی که رئیس فدراسیون فوتبال با اعضای هیأت رئیسه نشست نگذارد و یا درباره امیر شخصاً نظر ندهد، نمی‌توان درباره بودن قطعی او نظر نهایی داد.

با این وجود از روز گذشته با جدایی قربانعلی پور حرقه تغییرات در کادر فنی تیم ملی زده شد.

نقد روز

قاسم حدادی فر، سرمربی جدید تیم ملی فوتبال جوانان ایران، فهرست ۲۷ نفره اردوی آماده‌سازی این تیم را ترکیه را اعلام کرد. فرآیند گلوتنی ۷ نفره، و چیدمان این لیست در نگاه اول، بیش از آنکه نشان از یک متدولوژی مبتنی بر شایسته‌سالاری و پایش سراسری داشته باشد، سؤالات و ابهامات تکان‌دهنده‌ای را در ذهن کارشناسان و ناظران بی‌طرف فوتبال پایه ایجاد کرده است.

نکته اول و بشدت چالش‌برانگیز این فهرست، سهم ناهمگون، پرنیز و عجیب طلایی پوشان اصفهان است. از ۲۷ بازیکن نام‌ده شده، ۷ نفر متعلق به باشگاه سپاهان اصفهان

هستند. آماری که در ویتترین اول تحسین‌برانگیز به نظر می‌رسد، اما وقتی جراحی فنی عمیق‌تری انجام می‌دهیم، این پرسش راهبردی مطرح می‌شود که، مگر در سایر اتمسفرهای فوتبالی و باشگاه‌های سراسر کشور استعداد وجود ندارد؟ سپاهان با این گلوتنی ۷ نفره، بیشترین سهم را در این اردو به خود اختصاص داده است.

شاید دراماتیک‌تر از سهم نجومی اصفهانی‌ها در این ماتریکس، غیبت معنادار برخی از بازیکنان مستعدی باشد که در همین لیگ برتر بزرگسالان کشور صاحب سبک شد و می‌درخشند. بارزترین نمونه این بایکوت فنی، خط خوردن نام اهورا زند از تیم شمس‌آذر قزوین است.

اینجاست که استاندارد دوگانه کادرفنی لو می‌رود؛ ملاک انتخاب چیست؟

بشدت تقویت می‌کند؛ گویی بازیکنان نه بر اساس متریک‌های مدرن جی‌پی‌اس، توانایی‌های فردی و عملکرد میدانی، که بر اساس وابستگی باشگاهی و پیوند‌های فرامنتی تیک خورده‌اند.

وقتی فهرستی با این ترکیب ناهمگون روی خروجی فدراسیون می‌رود، اذهان عمومی حق دارند بپرسند؛ آیا واقعاً ۷ بازیکن از یک تیم، تا این حد از کل فوتبال ایران جلوترند؟ اگر پاسخ مثبت است، متر فنی‌تان را اکران کنید.

این اتفاق در شرایطی است که تجربه تلخ حضور ارمان احمدی در تیم ملی و شکست مقابل هند را فراموش نکردیم و به نظر اگر همین حالا به پرونده تیم‌های پایه نگاه ویژه‌ای نداشته باشیم، در درازمدت دچار مشکل فنی خواهیم شد.

اگر فیکس بازی کردن در بالاترین سطح لیگ برتر ایران و تجربه میدانی سخت، متر معیار نیست، پس چه فاکتور پنهانی در اتاق فکر حدادی فر حکومت می‌کند؟

پازل تأمل‌برانگیز دیگر، تمرکز جغرافیایی مفرط این لیست است. استان اصفهان با حضور گسترده سپاهان (۷ نفر) و ذوب‌آهن (۲ نماینده)، سهمی کاملاً نامتناسب

با ویتترین فوتبال پایه کشور دارد. در موازات این بذل و بخشش، باشگاه‌هایی مثل استقلال تهران و تراکتور تبریز که پیشینه‌ای درخشان در کشف و پرورش آکادمیک و بهترین‌ها دارند، سهمی نزدیک به صفر در این لیست دارند و پرسپولیس هم تنها با یک نماینده در این جمع غریب، روزگار می‌گذراند!

این فرمول، شائبه نگاه غیرفنی را افزایش هزینه‌ها دامن زده است.

فاصله فوتبال ایران با اقتصاد حرفه‌ای

اگر دستمزد قلی‌زاده در فوتبال لهستان را معیار قرار دهیم، مشاهده می‌شود بازیکنی که در یک باشگاه حرفه‌ای اروپایی سالانه حدود ۳۲۰ هزار یورو دریافت می‌کند، در صورت بازگشت به ایران احتمالاً با پیشنهادهایی بسیار بالاتر روبه‌رو خواهد شد.

این تفاوت الزاماً به معنای ارزش فنی بیشتر بازیکنان فوتبال ایران نیست؛ بلکه بیش از هر چیز، بازتاب تفاوت ساختار اقتصادی فوتبال است. در فوتبال اروپا، باشگاه‌ها ناچارند هزینه‌های خود را بر اساس درآمد، تراز مالی و قواعد اقتصادی مدیریت کنند. اما در ایران بسیاری از قراردادهای الزاماً از چنین منطقی پیروی نمی‌کنند. همین موضوع سبب شده ارزش واقعی بازیکنان در بازار داخلی با قیمت‌های پرداختی فاصله قابل توجهی پیدا کند؛ شکافی که تا زمان اصلاح ساختار مالی باشگاه‌ها، افزایش شفافیت قراردادهای و حرکت به سمت اقتصاد حرفه‌ای، همچنان پابرجا خواهد ماند.

نخستین عامل را باید در ساختار مالکیت باشگاه‌ها جست‌وجو کرد. بخش قابل توجهی از باشگاه‌های لیگ برتر به منابع مالی دولتی، شرکت‌های صنعتی یا مجموعه‌های عمومی وابسته‌اند. در چنین شرایطی، مدیران السزام چندانی برای رعایت منطق اقتصادی و بازگشت سرمایه احساس نمی‌کنند و همین موضوع زمینه افزایش غیرواقعی هزینه‌ها را فراهم کرده است.

عامل دوم، ضعف شفافیت مالی در قراردادهاست. اگرچه فدراسیون فوتبال در سال‌های اخیر مقرراتی مانند سقف بودجه را اجرا کرده، اما همواره گزارش‌هایی درباره پرداخت‌های خارج از قرارداد، آپشن‌های پنهان و روش‌های مختلف دور زدن مقررات مطرح بوده است؛ موضوعی که ارزیابی واقعی ارزش قراردادهای دشوار می‌کند. رقابت شدید باشگاه‌ها برای جذب بازیکنان شاخص عامل دیگری در شکل‌گیری این تورم است. در بازاری که تعداد بازیکنان باکیفیت محدود است، رقابت میان باشگاه‌ها باعث می‌شود قیمت‌ها در مناطق اقتصادی فاصله بگیرد و هر فصل رکورد‌های تازه‌ای در قراردادها ثبت شود.

در کنار این موارد، نبود نظام حرفه‌ای ارزش‌گذاری را فراهم کرده است. سؤال مهم اینجاست؛ اگر قلی‌زاده امروز تصمیم به بازگشت به لیگ برتر ایران بگیرد، باشگاه‌های داخلی چه رقمی به او پیشنهاد خواهند داد؟ به مراتب بالاتر از دستمزد فعلی او در فوتبال اروپا باشد. این در حالی است که تجربه نشان می‌دهد بسیاری از لژیونرهای ایرانی در لیگ‌های معتبر اروپا، دستمزدی کمتر از قراردادهایی دریافت می‌کنند که بعضی ستاره‌ها در لیگ ایران امضا می‌کنند.

حالا قلی‌زاده را با این معیارها بسنجید. او در لهستان سالانه حدود ۴۰۰ هزار دلار دریافت می‌کند. اگر قلی‌زاده به ایران بازگردد، با توجه به روند بیمار و رایج در نقل‌وانتقالات، رقم درخواستی او احتمالاً چندین برابر این مبلغ خواهد بود. رقمی که در بهترین حالت، چندین برابر پایه دستمزد واقعی و استاندارد بازیکنان در قاره اروپاست.

این مقایسه، پرسشی اساسی را مطرح می‌کند؛ چرا ارزش‌گذاری بازیکنان در فوتبال ایران تا این اندازه با بازار جهانی فاصله دارد؟

دعوت‌های عجیب و هزار پرسش بی‌پاسخ

اصفهان گرایی در لیست حدادی فر



اگر قلی‌زاده به لیگ ایران بازگردد

دوباره معمای دستمزدهای نجومی!

سوژه

انتشار فهرست دستمزد بازیکنان باشگاه لخ‌پوزنان لهستان، بار دیگر تفاوت چشمگیر ساختار اقتصادی فوتبال ایران و اروپا را به نمایش گذاشت؛ تفاوتی که این پرسش را مطرح می‌کند، چرا بازیکنان ایرانی در داخل کشور گاه بیش از ارزش واقعی خود در بازار بین‌المللی دستمزد دریافت می‌کنند؟

بر اساس گزارش یک رسانه معتبر لهستانی، علی‌قلی‌زاده با دریافت هفتگی ۳۴ هزار و ۸۴۰ زلوتی، در میان پردرآمدترین بازیکنان لخ‌پوزنان قرار دارد. با یک محاسبه تقریبی، دستمزد سالانه او حدود ۳۲۰ هزار یورو برآورد می‌شود؛ رقمی که با نرخ روز ارز، معادل حدود ۶۵ میلیارد تومان در سال است. این در حالی است که قلی‌زاده طی دو فصل اخیر یکی از مهره‌های تأثیرگذار لخ‌پوزنان در مسیر کسب افتخارات داخلی بوده و با وجود پشت سر گذاشتن مصدومیت سنگین رباط صلیبی، قراردادش برای یک فصل دیگر نیز تمدید شده است. باشگاه لهستانی نیز با ایجاد فضای مالی در

اگر قلی‌زاده

امروز تصمیم به بازگشت به لیگ برتر ایران بگیرد، باشگاه‌های داخلی چه رقمی به او پیشنهاد خواهند داد؟

